



دفاع تمام لاریجانی قد از توافق هسته‌ای؛ جزئیات دیدارهای خصوصی با ناطق نوری

رئیس مجلس شورای اسلامی در گفتگویی درباره توافق هسته‌ای، چشم‌انداز انتخابات مجلس، دیدار با ناطق نوری و برخی مسائل سیاسی اظهارنظر کرد.

همشهری آنلاین: رئیس مجلس شورای اسلامی در گفتگویی درباره توافق هسته‌ای، چشم‌انداز انتخابات مجلس، دیدار با ناطق نوری و برخی مسائل سیاسی اظهارنظر کرد.

ایسنا نوشت: علی لاریجانی در نشست درباره توافق هسته‌ای، چشم‌انداز انتخابات مجلس، دیدار با ناطق نوری و برخی مسائل سیاسی اظهاراتی را مطرح کرد.

ایسنا: آیا توافق هسته‌ای در دولت یازدهم موجب حفظ و تثبیت فعالیت‌ها و دستاوردهای هسته‌ای و لغو تحریم‌های غرب می‌شود؟

بحث هسته‌ای از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. گاهی ریزه‌کاری‌هایی مطرح است که در جای خودش قابل بررسی است و گاهی در برداشت‌ها، فواید و ضررها که اگر در جای خودش انجام شود، مفید است لکن یک سری سوالات ریشه‌ای وجود دارد که باید بیشتر از سایر امور مورد توجه قرار داد. اولین سوال این است که چرا نظام ما دنبال این بود که مذاکرات به صورت جدی دنبال شود؟ تلقی‌ها، برداشت‌ها و قرائت‌های مختلفی ممکن است از این مسئله وجود داشته باشد حتی سیاست‌مداران کشورهای بزرگ نیز برداشت‌شان را مطرح می‌کنند ولی ما چرا دنبال مذاکرات رفتیم؟

دلایل روشنی برای این کار وجود داشت که یقیناً از سر احساسات و عواطف نبود بلکه مبتنی بر یک منطق انجام شد و این مسئله محدود به دولت یازدهم نیست. در این دولت مسئله هسته‌ای جدی‌تر دنبال شد. اواخر دولت قبل این بحث در سطح کشور مطرح بود که ایران مذاکرات خیلی دقیقی در مسئله هسته‌ای را لازم می‌بیند و وقتی مقدماتی برای این مسئله به وجود آمد، از این مقدمات استفاده شد تا مذاکرات به صورت جدی دنبال شود.

پرونده هسته‌ای در دولت یازدهم با همت و علاقمندی بیشتری پیگیری شد، اما چرا مذاکرات را در شرایط فعلی لازم می‌دانیم؟ در زمینه هسته‌ای دوره‌ای را طی کرده‌ایم یعنی از شرایط خیلی مقدماتی به شرایط حضور در صحنه مسائل هسته‌ای رشد کردیم هرچند که طی این مدت فشار زیادی را متحمل شدیم ولی کشور با مقاومت در حوزه هسته‌ای به سرمایه فنی دست یافت. طرف مقابل همواره درصدد انکار این سطح از دانش هسته‌ای ایران و از بین بردن آن بود. چه در قطعنامه‌ها و چه در مذاکرات سیاسی، تاکید می‌کردند ایران باید غنی‌سازی را از بین ببرد، حتی گاهی نیز صحبت از باز کردن پیچ و مهره‌های سانتریفیوژهای هسته‌ای ایران می‌کردند.

سطح خواسته غربی‌ها این بود که مجموعه رشد دانش هسته‌ای ایران از بین برود و بساطش جمع شود اما خواسته جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات، تثبیت دانش هسته‌ای و از بین بردن برخی مذاق به وجود آمده، بود.

جمهوری اسلامی ایران از درون مذاکرات به هر دو هدف دست یافت. مهم نیست که تعداد و سطح سانتریفیوژها چقدر باشد چون ایران با علم و آگاهی سطح موجود را انتخاب کرده است و این مسئله هیچ خسارانی برای کشور ندارد. این مسئله بسیار مهم است که 5 کشور قدرتمندی که به ایران زور می‌گفتند، امروز پذیرفتند غنی‌سازی در ایران انجام شود. این دستاورد، دستاورد کمی نیست و ضمناً در قطعنامه شورای امنیت نیز وقتی برجام تایید می‌شد یعنی این سطح غنی‌سازی در ایران قابل قبول است در حالی که در قطعنامه‌های گذشته در پی برچیدن توان هسته‌ای ایران بودند. این مسئله دستاورد مهم سیاسی و حقوقی برای کشور است ضمن آنکه غنی‌سازی را هم بالفعل در اختیار داریم و تنها مسئله‌ای حقوقی نیست.

نکته بعدی، لغو تحریم‌های اقتصادی است که در برجام و قطعنامه آمده است البته برای تحقق این مسئله حتما مقدماتی نیاز است که به صورت طبیعی طی می‌شود. نظام در این قضیه درست و با چشم باز تصمیم گرفت و خوب توانست آن را مدیریت کند البته حواشی دارد که همیشه در گفت‌وگوهای بین‌المللی این حواشی وجود داشته است.

البته برای هر کدام از حواشی فکر کرده‌ایم و همه آنها را در داخل، مورد بحث و کاوش قرار گرفته داده‌ایم. این دستاورد مرهون پایدردی و هوشیاری ملت، تیزهوشی رهبری در مقاطع مختلف و همت دولت و مذاکره کنندگان است. اگر غربی‌ها این توافق را خوب اجرا کنند و شیطنت نکنند، این توافق دستاورد خوبی برای ملت ایران خواهد بود.

با نگاه ملی به این مسئله از این دستاورد باید صیانت کنیم، این سخن به این معنا نیست که منتقدان در ابعاد و اجزای این مسئله چیزی نگویند. در ایران دموکراسی حاکم است و مطالب باید مورد حلاجی قرار بگیرد و مذاکره کنندگان نیز جواب منتقدان را بدهند. در کلان مسئله باید به این سوال ریشه‌ای توجه کرد که چرا نظام این را پذیرفت و آیا در مسیر کار به آنچه که طراحی کرده بود، رسیدیم یا خیر؟ بنده معتقدم نظام درست تحلیل کرد و تا حد خوبی نیز به تصمیم خودش رسید و برخی مطالب منتقدان یا در سایه بی‌توجهی به طراحی‌های اولیه در این مسئله انجام می‌شود یا موضوع به اندازه کافی برایشان باز نشده است.

آیا امکان تحقق طراحی‌های اولیه کشور در زمانی زودتر امکان‌پذیر نبود و باید حتما 12 سال طی می‌شد تا با غرب به تفاهم برسیم؟

زمان در بخشی از این مسئله نقش داشت ولی یک بخشی هم می‌توانست زودتر انجام شود. در عالم سیاست جزمیتی وجود ندارد که حتما مثل چرخ‌های مکانیکال، یک چرخ بچرخد تا چرخ بعدی بچرخد. در عالم سیاست اراده‌ها، فکرها و تصمیمات به موقع، همیشه نقش دارد بنابراین نمی‌شود گفت حتما این زمان باید طی می‌شد، در برخی مقاطع می‌شد برای جلو بردن موضوع از ابتکاراتی استفاده کرد و زمان را خرید، یک بخشی هم چاره‌ای جز این نبود چون حریف فکر می‌کرد که ایران مقاومت نمی‌کند.

شاید به این مطلب در مقالاتی که این روزها در حال چاپ است، برخوردی باشید که چه در سطح منطقه و چه در سطح جهان می‌گویند ایران، به دلیل استقامتش این پرونده را به نتیجه رساند یا برخی دولت‌مردان آمریکایی می‌گویند تحریم‌ها خاصیتی نداشت و نتوانست ایران را مجاب کند. طرف غربی بر این باور بود که اگر جمهوری اسلامی را تحریم کنند، موفق می‌شوند و برخی کشورهای منطقه هم تصور می‌کردند به کمک تحریم‌ها و دستکاری قیمت نفت فشار بیاورند تا اراده ایران تحت تاثیر قرار بگیرد. همه این تجربیات پشت سر گذاشته شد و حالا متوجه شده‌اند ایران در راه و هدفش ایستادگی دارد.

علاوه بر این مسئله، ابتکار عمل و استفاده از ظرفیت‌های مختلف هر دو طرف بر جمع‌بندی جهانی و داخلی برای انعقاد تفاهم تاثیرگذار بوده است. در مقطعی می‌شد از برخی ابتکارات برای جلوگیری از اجماع و تندروی غربی‌ها استفاده کرد که به صورت طبیعی زمان‌بر بود چون تحولاتی هم در کشورهای غربی رخ داده بود. طرف غربی هم باید مزه اینگونه گستاخی‌ها را می‌چشیدند تا بفهمد مزه دل چسبی هم ندارد تا راه‌شان را تغییر دهند. بنده فکر می‌کنم از تجربیات گذشته باید استفاده کرد تا راه آینده به درستی طراحی شود.

نظام طراحی شده برای بازرسی‌ها به ویژه بازرسی از مراکز نظامی و موشکی کشور آیا تامین کننده امنیت ملی کشور نیست؟

در برجام بحث موشکی به این معنا نداریم ولی در قطعنامه 2231 داریم که البته هر کدام وزن جداگانه‌ای دارد. در قطعنامه درباره تسلیحات موشکی مسائل مختلفی آمده که ما هم گوش نمی‌دهیم، قبول هم نداریم بنابراین حرکت موشکی خودمان را ادامه می‌دهیم. آقا هم فرموده‌اند که نظام چنین چیزی را قبول ندارد. اینکه تسلیحات را تحریم کرده‌اند، یک بخش خرید است و یک بخش فروش است، ما نه خرید تسلیحات را قبول داریم و نه فروش آن را دنبال می‌کنیم و غربی‌ها هم این مسئله را می‌دانند.

مذاکره کنندگان هسته‌ای تا جایی که توانستند مواد مربوط به تسلیحات موشکی را سست کردند اما این مواد از متن برداشته نشد. اگر سوال شما این باشد که اگر اینها در برجام نمی‌آمد بهتر بود، پاسخ این است که بله بهتر بود اما همیشه در مذاکرات سیاسی در این سطوح داد و ستدی در جریان است، به همین دلیل بیش از این نتوانستند این بخش‌ها را نسبت به قطعنامه‌های موجود سست کنند. اگر سوال این باشد که آیا این مواد بنیه دفاعی ایران را دچار آسیب می‌کند، پاسخ این است که نمی‌تواند آسیب بزند چون در قطعنامه‌هایی که قبلا هم علیه ایران تصویب کرده و محکم‌تر از این هم ایران را محدود کرده بودند، ایران هرگز تمکین نکرده و نخواهد کرد و طرف غربی هم به خوبی این مسئله را می‌داند. اما در برجام آنچه که مهم است،

چهارچوب‌های هسته‌ای مذاکرات است نه سایر مسائل. در موضوع هسته‌ای آنچه که نظام دنبال می‌کرد تا حد قابل قبولی پیش برده شد که خوب است هر یک در جای خودش مورد بررسی دقیق قرار گیرد. مسائل موشکی جزو مسائل اصلی بنیه دفاعی کشور است بنابراین ما همین مسیر جاری را ادامه خواهیم داد.

با برداشته شدن تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل، آمریکا و اتحادیه اروپا پس از 9 سال چه برنامه‌هایی برای دوران پساتحریم باید داشته باشیم تا دیگر شاهد صدور چنین قطعنامه‌های علیه جمهوری اسلامی ایران نباشیم؟

نمی‌توان گفت در آینده مسیر کار ایران به نحوی است که هیچ گاه با دیگران در این موضوعات اختلاف پیدا نمی‌کنیم البته ممکن است اختلافات طوری مدیریت شود که تبدیل به صدور قطعنامه علیه کشور نشود.

از موضوعات مهم فعلی کشور نحوه مواجهه با برجام و قطعنامه 2231 است. گاهی وقتی به این پدیده نگاه می‌شود ممکن است گفته شود باید بگردیم تا ریزه‌کاری‌هایش مشخص شود که البته این کار سر جای خودش خوب است اما در سطح کلان باید به این مسئله توجه کرد که با برجام و قطعنامه 2231 چگونه مواجه شویم تا بتوانیم یک گام رو به جلو برداشت.

برجام یک دستاورد است، اگر به حاشیه‌های این دستاورد نگریسته شود دچار ایستایی می‌شویم اما به این دستاورد باید به شکلی نگریسته شود که موجب برداشتن گام روبه جلو شود، امروز کشور به این نگاه نیاز دارد. باید به این فکر کرد که از بسته هسته‌ای چگونه می‌توان برای توسعه اقتصادی، علمی و فناوری و تبدیل این ظرفیت به ظرفیت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده کرد. اگر اینگونه به بسته هسته‌ای نگریسته شود می‌توان راه‌های جدیدی را شناسایی کرد.

پس از گذشت 36 سال از پیروزی انقلاب اسلامی تجربیات مختلفی در حوزه اقتصاد کسب کرده است و البته یک خطر مهم پیش روی کشور است و اینکه از گشایش‌های اقتصادی فوری به آرزوهای زودگذر بسنده شود در حالی که این گشایش‌ها باید به افزایش توان اقتصادی و فناوری کشور تبدیل شود. این مسئله زحمت دارد و مجاهدت می‌خواهد.

رسانه‌ها باید به این موضوع توجه کنند که جامعه از گشایش‌های اقتصادی برای خیزش جدید جهت حصول به دستاوردهای خرد، توقع نکند. این مسئله باید به ورود فناوری‌های جدید و آمایش سرزمینی دقیق برای توسعه تبدیل شود. توجه به این مسائل است که می‌تواند مشکلات کشور را حل کند. اینکه به بهانه مشکل داشتن کشور در قبل و بعد از توافق بخواهیم این پول‌ها را به جامعه تزریق کنیم، اگرچه ممکن است در کوتاه مدت دستاوردی داشته باشد ولی در بلندمدت باز با آثار رشد نقدینگی، تورم، رکود و حل نشدن مشکل بیکاری دست به گریبان خواهیم ماند. باید قبول کنیم در یک دوره زمانی مشخص برای توسعه و پیشرفت کشور، مجاهدت کنیم.

حتما نیازمند این هستیم که منافع ملی در پس مذاکرات در راستای تعالی بخشی به امور کشور برای مردم تعریف شود همچنین توان و ظرفیت ملی در شئون مختلف حتی در بُعد دفاعی باید ارتقاء یابد. از این ظرفیت باید با توجه به وضعیت نابسامان و شلوغ منطقه استفاده شود و توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران افزایش یابد.

یک مسئله مخاطره‌آمیزی وجود دارد که هر وقت گشایشی شده است به آن مسئله بسنده می‌کردیم و آن، مصرف فناوری به جای انتقال است. انتقال تکنولوژی برای ایران مهمتر از تکنولوژی است که می‌تواند کالاهای مصرفی تولید کند. مهمتر از این مسئله استفاده از ظرفیت نیروی انسانی متخصص داخلی است. نباید فضایی به وجود آید که از رویکرد داخلی برای توانمندسازی اقتصاد منصرف شویم البته در دولت هوشیاری وجود دارد تا این مسئله مورد توجه قرار گیرد و ساختار خوبی طراحی شود.

در سطح بالاتری، در مجامعی با دولت این صحبت را کرده‌ایم که این فضا را ببریم به سمت بهترین استفاده از زمان و شرایط را برای بکارگیری نیروهای متخصص، به تولید و انتقال فناوری توجه کنیم. تمهیدات این چنینی باید موضوع اصلی فکر جامعه باشد زمان به سرعت در حال سپری شدن است. در آستانه تدوین برنامه ششم توسعه قرار داریم. اگر تعریف درستی در این زمینه داشته باشیم، می‌توان این برنامه را به سمتی هدایت کرد که بتوان از این ظرفیت استفاده کرد تا پله‌ای شود برای پرش اما اگر نشود، تصمیم‌گیری‌های روتینی که در بودجه‌نویسی انجام می‌شود به اضافه 20 درصد افزایش سنواتی دنبال شود آنگاه وضعیت کشور همین وضعیت جاری خواهد بود و هیچ تحولی نخواهیم داشت. امیدوارم شاهد تغییرات بنیادی در وضعیت کشور باشیم.

روحانی دوران دبیری شورای امنیت ملی در موضوع هسته‌ای با روحانی دوران رییس‌جمهور چه تفاوتی دارد؟

بیشتر از اینکه بحث افراد مطرح باشد، خود پدیده‌ها مطرح هستند به بیان روشن‌تر نظام در دوره‌ای پیشنهاد و راهی را که دکتر روحانی در مسئله هسته‌ای پیشنهاد کرد را پذیرفت اما چیزی که مهم است اینکه دیگران به تعهداتی که در آن دوران دادند، پایبند نماندند، این مسئله نوعی پدیده شناسی است، بحث فرد، نه آن مقطع مطرح بود و نه در حال حاضر. آن زمان اینها توافقی داشتند که ایران تعلیق کند تا غرب پس از مدتی مسائل مدنظرش را حل کند، زمان کوتاهی هم برای حل مسئله در نظر گرفته شده بود اما به تعهداتشان عمل نکردند در نتیجه نظام تصمیم به تغییر مسیر، گرفت و از تجربه‌اش در این زمینه استفاده کرد.

غربی‌ها در آن دوران دنبال جمع کردن بساط هسته‌ای ایران بودند هرچند که در ظاهر چنین نمی‌گفتند، ایران پذیرفت تعلیق کند که در نهایت پس از 2 سال، آخرش گفتند راهی ندارند و جدی‌گارانتي را عمل نکردند و مسئله تا امروز ادامه یافت. الان هم شرایط ایران تغییر کرده و هم شرایط غرب با این تفاوت که ایران سانتریفیوژ و تجهیزات و فناوری هسته‌ای را در اختیار دارد و توسعه داده است و طرف غربی هم به این تجربه رسیده که فشارها به ایران جواب نمی‌داده، پس زمان آن بود تا مذاکراتی جدی انجام شود تا از این مرحله عبور کنیم. شرایط تغییر کرده و بنده فکر می‌کنم با توجه به شرایط و دستاوردها باید تصمیم درست گرفت. معتقدم نظام تصمیم درستی برای تفاهم گرفت.

از نظر جنابعالی مجلس باید درباره برجام نظر دهد یا شورای عالی امنیت ملی؟

مجلس شورای اسلامی از باب اصول قانون اساسی باید نسبت به این گونه معاهدات بین‌المللی نظر بدهد اما در برخی موارد نیز نظر نداده است مثل قطعنامه 598. مسئله هسته‌ای را علاج می‌کنیم و شاید مجلس هم نظر بدهد، بهتر باشد و پشتیبانی و وفاقی حاصل شود.

آیا کمیته 5 نفره هسته‌ای همچنان برقرار است؟

بله.

آیا برای انتخابات مجلس دهم از هم‌اکنون برنامه‌ای دارید؟

برنامه خاصی برای آن مجلس ندارم و فعلا کار در مجلس نهم ادامه دارد.

بحث‌هایی در خصوص تشکیل حزبی به لیدری جنابعالی مطرح است. تشکیل این حزب به کجا رسید و آیا ممکن است این حزب در دوران نزدیک به انتخابات فعالیت بیشتری داشته باشد؟

بنده نمی‌دانم چرا چنین مسئله‌ای مطرح شد، اما شاید به خاطر حمایت و دفاعی بود که بنده از احزاب و تشکلهای سیاسی داشته و همچنان دارم. معتقدم دموکراسی باید ساز و کارهای مدنی لازم را برای ساماندهی امر تدارک ببیند. کشور از ناحیه فقدان احزاب و تشکیلات قوی، منسجم، با شناسنامه مشخص و تمهیدات لازم رنج می‌برد.

حزب هم کارکرد هدایت‌گری و برنامه‌ریزی و هم کارکرد تربیت کادر فکری و اجرایی دارد. این نقص در دوره‌ها و دولت‌های مختلف به جد قابل مشاهده است. افراد برای سطوح عالی مدیریتی، آموزشی ندارند. پست‌های وزارت و مدیریت‌های عالی، اکابر سیاسی نیست که افراد بیایند و در آنها کسب تجربه کنند. مدیران در این سطح باید به حدی مسلط باشند که از همان روز اول مسئولیت، تصمیمات درست بگیرند. این مسئله احتیاج به سازماندهی دارد، همان کاری که در دیگر کشورها انجام می‌شود. متأسفانه در کشور برخی معتقدند حزب جنس خوبی ندارد و با ساز و کار سیاسی ایران نمی‌سازد. بنده هیچ وقت به این باور نرسیدم که این حرف‌ها ماحصلی دارد. خیلی از افرادی که از این حرف‌ها می‌زنند خودشان نیمچه حزبی دارند ولی تابلوی حزب بلند نکرده‌اند و این برای کشور مضر است.

معتقدم افراد باید مسئولیت‌پذیر باشند. این افراد باید بگویند اگر ما انتخاب شویم، این برنامه‌ها با این افراد را پیاده می‌کنیم بعد هم تاوان کارشان را پس دهند، پنهان‌کاری جز گمراهی معنای دیگری ندارد. این نظر را قبول دارم و معتقدم درباره آن باید بحث و صحبت کرد. باید توافقی در سطح رجال ملی به وجود آید که برای آینده کشور هم مفید است و تا جایی هم که بتوانم به شکل‌گیری این مسئله کمک می‌کنم اما اینکه الان فرصتی برای تشکیل حزب داشته باشم، واقعا چنین فرصتی ندارم.

مدت زیادی از وقتم در مدت اخیر صرف مذاکرات شد و فرصتی نکردم که اصلا در این باره بیندیشم. امیدوارم در آینده افرادی بیایند، بحث کنند و همت کنند تا تشکیلاتی‌تر کار کنند البته برخی دوستان در این زمینه در حال انجام کارهایی هستند که

امیدوارم موفق شوند.

برخی اصولگرایان اخیرا مطرح می‌کنند که مجلس دهم باید صرفا یک مجلس اصولگرا باشد این تفکر چقدر با منافع ملی و این جمله که میزان رای ملت است انطباق دارد؟

قاعدتا اصولگرایان دوست دارند اکثریت مجلس آینده را در اختیار داشته باشند همانطور که گروه‌های دیگر نیز چنین چیزی را دوست دارند. این مسئله خیلی مخالف رای مردم نیست. جریان اصولگرایی می‌گوید می‌خواهد تلاش بیشتری برای کسب اکثریت کرسی‌های مجلس دهم داشته باشد، گروه‌های دیگر نیز همین هدف را دارند.

آیا این دیدگاه به معنای پذیرش حضور سایر جریان‌های سیاسی در انتخابات است؟

این مسئله مخالف حضور سایر جریان‌های سیاسی نیست، معنی این کار آن است که در بستر رقابت‌ها یک گروه تلاش می‌کند تا اکثریت مجلس را کسب کند بقیه نیز چنین می‌کنند این مسئله مخالف «میزان رای ملت است» نیست. اینکه این رقابت‌ها چگونه شکل می‌گیرد؟ بنده فکر می‌کنم صحنه سیاسی کشور هنوز روشن نیست. همه در حال تلاش هستند اما اینکه ساختار آن در آینده چگونه چیده خواهد شد، هنوز مشخص نیست.

چرا بعضا وحدت انتخاباتی جریان‌های سیاسی در آستانه انتخابات و سر دادن شعارهایشان برای جذب آرای مردم پس از مشخص شدن نتایج انتخابات به کشمکش‌های سیاسی ختم می‌شود؟

این مشکل به ضعف در ایجاد حزب و تشکیلات برمی‌گردد. گروه‌های سیاسی در سایه فقدان تشکیلات قوی و بزرگ، حضور دارند که برای پیروزی در انتخابات به صورت تاکتیکی با یکدیگر وحدت می‌کنند البته در پاره‌ای موارد این وحدت با مبنای استراتژیک هم انجام می‌شود. وقتی جزیره‌های مجزای سیاسی وجود دارد و پوشش سراسری ندارند، می‌گویند «متحد شویم مفیدتر است» اما در موارد بسیاری اتحادهای سیاسی، تاکتیکی است و ممکن است در داخل خود اختلافاتی داشته باشند که پس از مشخص شدن نتایج انتخابات دچار افتراق می‌شوند. ضعف کار تشکیلاتی و تربیت نشدن در اصول فکری واحد، موجب شکسته شدن ائتلاف‌ها و وحدت‌های مقطع انتخابات می‌شود که البته به کشور ضربه می‌زند. باید به علت پرداخت نه معلول. برای رفع این ضعف باید حتما تشکیلات تربیت کننده افراد به وجود آید هرچند که ممکن است این پیشنهاد به انتخابات مجلس دهم نرسد.

اتحاد داخلی اصولگرایان و اصلاح‌طلبان و تعدیل یکدیگر برای کشور ضرر ندارد. گروه‌های سیاسی نمی‌توانند از خود ادا در بیاورند با همین چیزی که هستند باید با هم ائتلاف کنند. معتقدم باید به همین نظم ضعیف هم کمک کرد. این نظم ضعیف هم موجب مشخص شدن متولی گروه‌ها و تشکل‌های کوچک سیاسی برای تقویت فرهنگ گفت‌وگو بین جریان‌های سیاسی می‌شود.

شرایط جریانات غیراصولگرا برای ورود در انتخابات را چطور می‌بینید؟

من شرایط جریان اصولگرا را هم فعلا کامل نمی‌دانم، از سایرین هم اطلاع دقیق و روشنی ندارم!

جریانات غیراصولگرا چقدر زمینه عرض اندام در فضای انتخاباتی را دارند؟

بنده مذاکراتی با آقایان نداشتم که بتوانم هم‌اکنون حرف دقیقی بزنم. بیشتر اطلاعاتم از رسانه‌هاست. سخنان آقایان را در روزنامه‌ها می‌خوانم، معلوم است تلاش‌هایی برای حضور در انتخابات دارند. زمینه برای حضور همه جریان‌های سیاسی باید در کشور فراهم شود. هم قانون و هم مصلحت کشور در حضور همه گروه‌های سیاسی است. چه اصولگرا و چه غیراصولگرا باید در چارچوب قانون حرکت کنند، ما هم باید تلاش کنیم همه جریان‌های سیاسی حضور داشته باشند. با محدودیت بلاوجه خارج از قانون مخالفم.

اینکه تلاش‌های انتخاباتی دو جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا موجب شکل‌گیری نظم در هر دو جریان شده باشد، به دلیل نداشتن فرصت و وقت و سایر مشغله‌ها چندان اطلاعی از پشت صحنه جریان‌های سیاسی ندارم.

به نظر جنابعالی مجلس ایده‌آل جمهوری اسلامی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

به تعبیر مقام معظم رهبری مجلس جای مهمی از نظر ریل‌گذاری سایر قواست. اینکه امام فرمودند «مجلس در راس امور است» واقعاً همین طور است. مجلس خطوط کلی حرکت کشور را مشخص می‌کند و تنها جایی که می‌تواند حقوق مردم را مشخص کند، مجلس است و هیچ دستگاه دیگری حق ندارد حقوق مردم را محدود کند بنابراین به یک پختگی نیاز دارد. هر چه رجال ملی با تجربیات بالا در مجلس حضور داشته باشند، فهم درستی از مسائل اسلامی و انقلاب داشته باشند و در یک جمله در مسائل مختلف استخوان خرد کرده باشند، این جایگاه مجلس را درست تعریف می‌کند.

حضور در مجلس به پیش زمینه‌هایی در فهم مسائل و چالش‌های کشور و راه‌حل‌ها نیاز دارد به همین دلیل هم می‌گویم تشکیلات مهم است. وقتی تشکیلات وجود داشته باشد به طور طبیعی دنبال افراد پخته‌تر که بتوانند سیمای آن تشکیلات را خوب معرفی کنند، می‌روند، مجلس چنین تعریفی نیاز دارد وگرنه صرفاً یک قالب و صورت است.

ما در این زمینه ضعف‌هایی در همه قوا داریم که ریشه در فقدان احزاب دارد. مجلس جای افراد زبده و پخته است. البته این نگاه در سایر رشته‌ها نیز باید ملاک قرار گیرد. وقتی صحبت از دین، صنعت و کشاورزی می‌شود لاجرم باید رجال اسلامی، صنعتی و کشاورزی صاحب‌نظر وجود داشته باشند البته رجال ملی به سادگی خود را در معرض رای عمومی نمی‌گذارند. آنان وزانته دارند و از رقابت‌های انتخاباتی به ویژه رقابت‌های انتخاباتی توأم با بداخلاقی فراری هستند اما وقتی تشکیلات باشد و از آنان حمایت کنند انگیزه حضور رجال ملی بیشتر می‌شود. تشکیلات مویید این است که رجال ملی حضور پیدا کنند تا تراز بخش‌های مختلف بالا رود.

آیا بستر تشکیل احزاب در کشور فراهم است؟

برای حضور رجال ملی به سازماندهی نیازمندیم. بنده اصولاً در امور سیاسی همیشه امیدوارم. همه باید تلاش کنیم تا زمینه شکل‌گیری احزاب و تشکلهای سیاسی فراهم شود.

اخیراً اخباری مبنی بر دیدارهای انتخاباتی شما با حجت‌الاسلام ناطق نوری به گوش می‌رسد این دیدارها با چه هدفی صورت می‌گیرد؟

دیدار بین رجال سیاسی طبیعی است و عجیب و غریب نیست. معمولاً ما کمتر با این موضوع و با این محوریت با یکدیگر دیدار می‌کنیم، بلکه در خصوص مسائل مختلف با یکدیگر بحث می‌کنیم. بنده آقای ناطق نوری را رجل شناخته شده، فهیم و پرطرفیت کشور می‌دانم و از گذشته با ایشان دوستی عمیق و صمیمانه داشته و دارم و از نظرات ایشان استفاده کرده‌ام البته با دیگران نیز چنین دیدارهایی داشته‌ام و درباره مسائل داخلی، منطقه، هسته‌ای، اقتصادی و گاهی درباره انتخابات با یکدیگر صحبت‌هایی داشته‌ایم. این گونه رایزنی‌ها خیلی طبیعی است، بنده در قم و تهران هم با برخی رجال سیاسی و مذهبی مباحث مختلفی دارم.

گفته می‌شود این دیدارها جهت هماهنگی بین شما و آقای ناطق نوری جهت نحوه حضور در انتخابات برگزار می‌شود؟

در این دیدارها هماهنگی خاصی در این زمینه نشده، بلکه صحبت‌ها دوستانه است البته طبیعی است که در مورد مسائل مهم و روز هم گفت‌وگو می‌کنیم. همین گفت‌وگو در بسیاری موارد ایده‌هایی به انسان می‌دهد که در راه و کارش به انسان کمک می‌کند. مهم این است فضای کشور از حالت صلبیت خارج شود و همه احساس کنند می‌توانند فکر تولید کنند، مشارکت به وجود آورند و حرکت ایجاد کنند. در این مسیر هیچ اشکالی ندارد که افراد با یکدیگر اختلاف نظر هم داشته باشند اما باید برای آینده و آتیه ملت ایران هم‌فکری کنند، نقاط مشترک دینی، انقلابی و فکری کم نداریم، این مسائل باید بسترهایی برای گفت‌وگو باشد نه چنگ زدن به یکدیگر.

بنده با این رفتار که عده‌ای فقط در پی یافتن مراکز اختلاف، بزرگ کردن آنها و کوبیدن بر سر دیگران هستند مخالفم، این روش، روش غلطی در حکمرانی است. افراد در مسائل مختلف از جمله مسئله هسته‌ای اختلاف نظر دارند مهم گفت‌وگو و تعدیل یکدیگر و وحدت است. در جریان اصولگرا نسبت به توافق هسته‌ای از افراد با نظر خیلی موافق تا افراد با نظر مخالف حضور دارند. اینکه همین قدر که با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند در بسیاری موارد با یکدیگر به وحدت می‌رسند اما اگر با یکدیگر گفت‌وگو نکنند و از یکدیگر بدگویی کنند، نزاع و اختلاف در می‌گیرد که به نفع کشور نیست.

یک عضو شورای نگهبان اخیراً با اشاره به گستردگی انتخابات همزمان دهمین دوره مجلس و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری از احتمال محدودیت این شورا در نظارت بر هر انتخابات صحبت کرده، نظر شما در این زمینه چیست؟

فکر می‌کنم نظر ایشان درست است چون برای انتخابات خبرگان یک هیات نظارت و یک هیات اجرایی باید تشکیل شود و همچنین برای انتخابات مجلس نیز یک هیات نظارت و یک هیات اجرایی نیاز است، این مسئله باید سامان یابد. شورای نگهبان باید در قالب یک هیات نظارت هر دو انتخابات را پیش برد و وزارت کشور نیز یک هیات اجرایی داشته باشد و هر دو انتخابات را مدیریت کند، این دوگانگی برای کشور مشکل ایجاد می‌کند؛ برای رفع این مشکل شاید نیاز به قانون داشته باشیم که مجلس آماده همکاری در این زمینه است.